

نامه بازخواست از وزیر اقتصاد و دارایی با ۹۰ امضا به هیئت رئیسه رفت | مرد پنجم اقتصاد در نمایش استیضاح



نامه درخواست استیضاح وزیر امور اقتصادی و دارایی تقدیم هیئت رئیسه مجلس شده است. این خبری است که یکی از نمایندگان به رسانه‌ها داده و نشان می‌دهد مجلس قصد دارد در شرایط اقتصادی فعلی کشور راه‌حلی برای خروج از زیر فشار افکار عمومی بیابد. حتی اگر این راه‌حل، پایان‌دادن به وزارت کسی باشد که خود نمایندگان استیضاح‌کننده نیز معترفاند نقش‌چندانی در به‌وجودآمدن شرایط موجود ندارد.

90 امضا برای استیضاح کرباسیان

حسینعلی حاجی‌دلیگانی، نماینده مردم شاهین‌شهر، میمه و برخوار، نماینده‌ای است که در گفت‌وگویی از تحویل نامه درخواست استیضاح وزیر اقتصاد با 90 امضا به هیئت رئیسه مجلس خبر داده و با بی‌ارتباط‌خواندن مشکلات فعلی اقتصاد با تحریم‌ها و تهدیدات آمریکا گفته است: «ما در چند ماه گذشته ثبات اقتصادی را از دست داده‌ایم و تیم اقتصادی دولت را در بروز مشکلات مقصر می‌دانیم، چون یا با هم هماهنگ نیستند یا به وظایف خود عمل نمی‌کنند». البته حاجی‌دلیگانی در میان حرف‌های خود اشاره‌ای هم به این نکته کرده است که استیضاح وزیر اقتصاد از آن جهت صورت می‌گیرد که دست منتقدان دولت به چهره‌های اقتصادی دیگر دولت نمی‌رسد. او در این باره گفته است: «برخی از موارد، از جمله استیضاح رئیس بانک مرکزی یا معاون اقتصادی رئیس‌جمهور در اختیار مجلس نیست و از این رو از رئیس‌جمهور انتظار داریم تصمیم‌گیری کند». همین نکته به خوبی نشان می‌دهد که در واقع آنچه قرار است تحت عنوان استیضاح مسعود کرباسیان انجام شود، در واقع استیضاح تیم اقتصادی دولت است؛ تیمی که متشکل از افراد مختلف با عقاید و ویژگی‌های گوناگون است و شاید خروجی همین تفاوت نظرات و نگاه‌هاست که منجر به تصمیمات کلان اغلب ضدونقیض در عرصه اقتصاد ایران شده است.

همه مردان رئیس‌جمهور

تصمیمات اقتصادی در دولت روحانی حاصل پیشنهادهای، چانه‌زنی‌ها و تصمیمات خرد و کلانی است که چهره‌های مختلف دولت می‌گیرند و برخی از این تصمیمات با رسیدن به اجماع و برخی دیگر بدون حضور و کسب نظر دیگران اجرائی می‌شوند. همین تفاوت در عناصر تصمیم‌گیر است که باعث می‌شود ارکان مختلف اقتصادی دولت تصمیماتی بگیرند که اجرائیش در بخش‌های دیگر با کندی روبه‌رو شود. نمونه تازه و بزرگ این اختلاف‌نظرها را می‌توان در ماجرای تعیین قیمت چهار هزار و 200 تومان برای دلار دنبال کرد. هنگامی که این تصمیم توسط اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور، اعلام شد، مسئولان بانک مرکزی در گفت‌وگوهای خصوصی به مخالفت با آن پرداختند و در نهایت نیز پس از کشوقوس‌های فراوان غرغریکنان به اجرای آن تن دادند. حتی هنگامی که اکبر ترکان، یکی دیگر از چهره‌های اقتصادی نزدیک به دولت که حالا فاصله بیشتری با آن گرفته است، به انتقاد از بانک مرکزی پرداخت، ولی‌اله سیف، رئیس بانک مرکزی، با ابراز تعجب از این اظهارات گفت: «آقای ترکان، شما چرا؟ هرکس نداند، آقای ترکان به خوبی در جریان دیدگاه‌های کارشناسی بانک مرکزی و بنده هستند و از تصمیم‌گیری‌ها و مباحث مطرح‌شده در جلسات ستاد اقتصادی دولت و هیئت وزیران آگاهی دارند، بنابراین برخی مواضع ایشان دست‌کم برای این‌جانب مایه تعجب است». همین پاسخ سیف نیز به خوبی تفاوت نظرات حاکم در تیم اقتصادی دولت را نشان می‌داد. غیر از حسن روحانی، حداقل پنج چهره مهم در تصمیمات اقتصادی دولت دخیل هستند؛ افرادی که ویژگی‌های شخصیتی و پیشینه مدیریتی متفاوتی با یکدیگر دارند و به مکاتب اقتصادی متفاوتی نیز نزدیکند.

اسحاق جهانگیری، فرمانده اقتصاد مقاومتی
اسحاق جهانگیری، متولد 1336 در سیرجان، فارغ‌التحصیل رشته‌های صنایع و مدیریت با سابقه فعالیت در جهاد سازندگی پس از انقلاب، یکی از مهم‌ترین چهره‌های تصمیم‌ساز دولت در حیطه اقتصاد است. جهانگیری که سابقه وزارت صنایع و معادن و فلزات را در کارنامه دارد، در مقام معاون اول رئیس‌جمهور و رئیس ستاد راهبری و مدیریت اقتصاد مقاومتی نیز برنامه‌های توسعه بخش صنایع سنگین و معادن را با علاقه خاصی دنبال می‌کند و اغلب اوقات در حال بازدید از این پروژه‌هاست. جهانگیری در قامت رئیس ستاد راهبری و مدیریت اقتصاد مقاومتی، مسئولیت اجرای سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری راجع به اقتصاد مقاومتی را برعهده دارد.

مسعود نیلی، مرد در سایه

مسعود نیلی، متولد 1334 در همدان، اقتصاددان و استاد دانشگاه و از شاخص‌ترین چهره‌های حلقه نیاوران است که سابقه معاونت سازمان

برنامه و بودجه در دولت هاشمی رفسنجانی و سرپرست کمیته خصوصی سازی در دولت خاتمی را در کارنامه دارد. او یکی از مهم ترین چهره های پشتیبان سیاست تعدیل ساختاری در ایران پس از جنگ تحمیلی است که سابقه سه دهه جدل نظری و کلامی اش با مخالفان تعدیل ساختاری، او را به چهره ای قابل احترام نزد حامیان بازار آزاد و منفور نزد نهادگرایان اقتصادی تبدیل کرده است. نیلی در دولت خاتمی، همکاری گسترده ای با جهانگیری در وزارتخانه صنایع و معادن داشت و سند استراتژی توسعه صنعتی کشور را تدوین کرد. نیلی که رئیس مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی نیز هست، در حال حاضر منتقد برخی از سیاست های اقتصادی دولت است و خبرهایی مبنی بر استعفای او از سمت های دولتی و عدم شرکت در جلسات اقتصادی دولت نیز شنیده می شود. خبرهایی که البته توسط دولت تکذیب می شوند.

محمد نهاوندیان، وزیر در سایه

محمد نهاوندیان، متوسط 1333 در تهران، اقتصاددان و استاد دانشگاه، معاون اقتصادی رئیس جمهور است. نهاوندیان که سابقه معاونت وزیر بازرگانی در دولت رجایی و باهنر، هاشمی رفسنجانی و خاتمی را در کارنامه دارد، مدتی رئیس اتاق بازرگانی تهران نیز بوده است. نهاوندیان که تحصیلات تکمیلی اش را تا مقطع دکترای اقتصاد در آمریکا گذرانده، همواره از چهره های مورد اعتماد نظام در شورای امنیت ملی بوده و رئیس دفتر روحانی در دولت اول او بود. نام نهاوندیان تا آخرین لحظات ارائه اسامی وزرای پیشنهادی دولت دوازدهم به مجلس، در برابر عنوان وزیر اقتصاد قرار داشت اما در آخرین روز تصمیم روحانی تغییر کرد و کرباسیان به جای نهاوندیان برای وزارت اقتصاد به مجلس معرفی شد. پس از آنکه کرباسیان موفق شد از مجلس رأی اعتماد بگیرد روحانی نهاوندیان را به سمت معاون اقتصادی خود برگزید و تا همین امروز نیز شنیده می شود که تصمیمات اصلی اقتصادی دولت توسط نهاوندیان گرفته شده و توسط کرباسیان اجرا می شوند. زمزمه هایی که هرگز تأیید یا تکذیب نشده اند.

محمد باقر نوبخت، یار غار

محمد باقر نوبخت، متولد 1329 در رشت، اقتصاددان و استاد دانشگاه، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه است. سابقه آشنایی او با روحانی به سال های دور بازمی گردد و او که یار غار رئیس جمهور در روزهای سخت بوده، نمایندگی ادوار مجلس و معاونت پژوهش های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک در سال های متمادی را در کارنامه دارد. نوبخت که مترجم چند کتاب مرجع علم اقتصاد نیز هست، آن قدر مورد اعتماد روحانی است که با وجود همه اختلاف نظرهای موجود بین او و دیگر اعضای اقتصادی دولت، همچنان بر مهم ترین صندلی اقتصادی

دولت تکیه زده و روحانی تا امروز حاضر نشده در برابر فشارهای مختلف برای تغییر او تسلیم شود. گفته می‌شود دولت در سال‌های اخیر بارها شاهد اختلاف نظرهای نوبخت و جهانگیری در زمینه تصمیمات اقتصادی بوده است.

مسعود کرباسیان، با عادت پیاده‌روی در کریمخان

مسعود کرباسیان، متولد 1335 در اصفهان، سابقه معاونت وزرای مختلف صنعت، نفت، بازرگانی و اقتصاد را در دولت‌های هاشمی و خاتمی در کارنامه دارد. او که در سالیان دراز عضو هیئت‌مدیره شرکت‌های مختلف اقتصادی کشور بوده، متخصص مدیریت و برنامه‌ریزی است اما حالا سمت وزیر اقتصاد در دولت روحانی را برعهده دارد. کرباسیان شبیه هیچ‌کدام از وزرای اقتصاد پیشین نیست و ویژگی‌های خاصی دارد که او را از این حیث از دیگران متمایز می‌کند. کمتر اهل اظهارنظر است و حاشیه‌های کمتری نیز دارد. جمعه‌ها کتاب‌فروشی‌های خیابان انقلاب و کریمخان را گز می‌کند و یکی از کتابخوان‌ترین سیاستمداران پس از انقلاب است. همین روحیه خاص کرباسیان است که به شایعات درباره نقش اجرائی او در وزارت اقتصاد دامن می‌زند و کار را تا آنجا پیش می‌برد که بسیاری، او را نفر اول تصمیم‌گیری در وزارت اقتصاد نمی‌دانند. با این حال مخالفان او که حالا در تلاش هستند تا پای کرباسیان را به مجلس باز کنند و با استیضاح ردای وزارت را از دوشش بردارند نیز به خوبی می‌دانند که چه این شایعات درست باشد چه نباشد، برکناری کرباسیان تغییری در سیاست‌های اقتصادی دولت روحانی ایجاد نخواهد کرد. مگر آنکه چنین استیضاحی تنها به منظور ابراز وجود و نمایشی نزد افکار عمومی انجام شود.